



## بررسی اصالت رساله مدادالخطوط منسوب به میرعلی هروی در مقایسه با رساله خط و سواد از مجنون رفیقی

حمیدرضا قلیچ‌خانی\*

### چکیده

میرعلی هروی (ف. ۹۵۱ ق.) از بزرگ‌ترین استادان خط نستعلیق است که حتی در زمان حیات خود نزد پادشاهان و حاکمان از یک، شبه‌قاره هند و عثمانی به شهرت بسیار رسیده بود. مجنون رفیقی نیز از خوشنویسان و شاعران هم‌دوره با او است که مؤلف سه رساله در آموزش خوشنویسی است. او در زمان خود صاحب‌نام بوده، اما به‌خاطر نداشتن آثار شناخته‌شده و چه‌بسا شاگردان و پیروان برجسته، به‌مرور شهرت وی کاهش یافته است. منسوب کردن رساله‌های کهن آموزش خوشنویسی به مشاهیر خوشنویسی، دارای سابقه است. یکی از آنها، انتساب رساله آداب‌المشق باباشاه اصفهانی به میرعماد قزوینی است. به‌جهت شهرت عالمگیر میرعلی، رساله "خط و سواد" مجنون رفیقی هروی، پس از دوره صفوی به میرعلی منسوب شده است. این انتساب سبب شده تا پژوهشگران معاصر یقین کنند که رساله‌ای با نام مدادالخطوط از میرعلی هروی وجود دارد و این خطا باعث شده تا بارها بازنشر شده و مورد استفاده و استناد دانشجویان و پژوهشگران حوزه هنرهای اسلامی قرار گیرد. در این مقاله، فرض بر این است که شخصی با دست‌کاری جزئی در رساله خط و سواد از مجنون رفیقی، آن را با عنوان مدادالخطوط به نام میرعلی هروی کرده است. این پژوهش با روش کتابخانه‌ای و مبتنی بر شیوه توصیفی تحلیلی با استفاده از منابع چاپی و دست‌نوشته‌های خطی صورت گرفته است. پس از معرفی دو خوشنویس و دو رساله یادشده، با روش مطالعه تاریخی، منابع دست اول در اواخر دوره تیموری و عصر صفوی بررسی شده و سپس متن دو رساله با هم تطبیق داده شده است. در نتیجه، ساختگی بودن این رساله در سده سیزدهم هجری و عدم انتساب آن به میرعلی هروی به اثبات رسیده است.

**کلیدواژه‌ها:** رساله مدادالخطوط، میرعلی هروی، رساله خط و سواد، مجنون رفیقی هروی، جعل و تحریف

## مقدمه

جعل آثار هنری، تنها به مشق نقلی و کپی کردن آثار دیگران برای فروش و یا اظهار توانایی و قدرت هنرجو محدود نمی‌شد. در گذشته که امکان بررسی و تطبیق متون ادبی و تاریخی به راحتی امروز نبود، بسیاری از افراد، دست به تحریف و دخل و تصرف در آثار دیگران می‌زدند و این نکته در باب رسالات و متون آموزش خوشنویسی، از اهمیت بسیاری برخوردار است. تا اوایل دهه هفتاد خورشیدی هیچ‌گاه این متون آموزشی که از منابع دست اول به‌شمار می‌روند، یکجا منتشر نشده بودند تا اینکه بیشتر آنها در کتاب‌های "کتاب‌آرایی در تمدن اسلامی" و "رسالاتی در خوشنویسی و هنرهای وابسته"<sup>۲</sup> منتشر شدند و امکان مطالعه تطبیقی آنها بسیار آسان‌تر از پیش شد. با وجود این، بررسی محتوایی و تأثیر و تأثر این متون از یکدیگر، چنانکه شایسته و بایسته است، مورد توجه پژوهشگران قرار نگرفته است.

در میان خوشنویسان نستعلیق‌نویس تا زمان ظهور میرعماد قزوینی، آثار هیچ خوشنویسی به اندازه میرعلی مورد نقل و جعل قرار نگرفته‌اند. تنوع رقم‌های میرعلی و نقل و جعل آثار او توسط شاگردان و پیروان سبب شده تا شناسایی آثار اصیل او بسیار دشوار شود و انبوهی از آثار به او منسوب باشند و همین ابهام و پیچیدگی باعث شده تا هیچ پژوهش مستقل و شایسته‌ای درباره میرعلی صورت نپذیرد و بهترین پژوهش موجود، همان است که در احوال و آثار خوشنویسان منتشر شده است (بیانی، ۱۳۶۳: ۴۹۳).

فرض بر این است که شخصی با دست‌کاری جزئی در رساله خط و سواد از مجنون رفیقی، آن را با عنوان مدادالخطوط به نام میرعلی هروی کرده است. در نتیجه، تلاش شده تا مجموع و ساختگی بودن این رساله در سده سیزدهم هجری و عدم انتساب آن به میرعلی هروی به اثبات برسد.

## پیشینه پژوهش

متن کامل رساله مدادالخطوط برای نخستین بار به صورت چاپ سنگی در "تذکره الخطاطین" میرزا سنگلاخ (۱۲۹۱ ق.) منتشر شد. پس از آن، یاسین‌خان نیازی (۱۹۳۴ م.) متن "خط و سواد" را در پاکستان منتشر کرد.

پس از انقلاب اسلامی، رساله‌های مدادالخطوط و همچنین خط و سواد در کتاب‌های "کتاب‌آرایی در تمدن اسلامی" (۱۳۷۲) و "رسالاتی در خوشنویسی و هنرهای وابسته" (۱۳۷۳) تصحیح و منتشر شدند.

قلیچ‌خانی در سال ۱۳۷۳ در مقدمه کتاب "رسالاتی در خوشنویسی و هنرهای وابسته"، تردید خود را نسبت به

مجموع بودن رساله "مدادالخطوط" بیان کرد و بار دیگر (۱۳۹۲) در کتاب "درآمدی بر خوشنویسی ایرانی" با قطعیت، عدم انتساب این رساله به میرعلی را مطرح کرد، اما فرصت و مجال نیافته بود تا این مهم را در قالب پژوهشی شایسته، سامان دهد؛ تا اینکه در بازنشر رساله "صراط‌السطور"<sup>۳</sup> از سلطان‌علی مشهدی (۱۳۹۹)، متوجه شد که نام رساله را بر اساس رساله "مدادالخطوط"، از صراط‌السطور به صراط‌الخط تغییر داده و ریشه بیشتر این اشتباهات و تحریفات در این نکته است که پژوهشگران، تألیف رساله مجموع "مدادالخطوط" را به راستی از میرعلی هروی دانسته‌اند.

قلیچ‌خانی پیش‌تر دو روشنگری درباره عدم انتساب دو رساله دیگر خوشنویسی به استادان صاحب‌نام نوشته است؛ یکی، کتاب "آداب‌المشق" باباشاه اصفهانی (۱۹۵۰) که بارها به نام میرعماد قزوینی چاپ و منتشر شده است و استادانی چون پروفسور محمدشفیع (۱۹۵۰ م.)، دکتر مهدی بیانی (۱۳۶۳) و نجیب مایل هروی (۱۳۷۲) پیش‌تر متوجه این جعل تاریخی شدند و قلیچ‌خانی (۱۳۹۱) با انتشار متن کامل رساله به خط باباشاه اصفهانی که مؤلف رساله نیز بوده، این انتساب و تحریف را شرح داده است. دیگری، رساله "اصول و قواعد خطوط سته" از فتح‌الله سبزواری (۱۳۷۳) است که استاد حبیب‌الله فضائلی (۱۳۵۰)، نسخه‌ای از آن را به جعفر بایسنغری (تبریزی) منسوب کرد و قلیچ‌خانی (۱۳۹۷) با انتشار مقاله "بررسی اصالت رساله نداشته جعفر بایسنغری"، این خطا را بررسی و تصحیح کرده است.

## روش پژوهش

این پژوهش با روش کتابخانه‌ای و مبتنی بر شیوه توصیفی تحلیلی با استفاده از منابع چاپی و دست‌نوشته‌های خطی انجام شده است. پس از معرفی دو خوشنویس و دو رساله یادشده، با روش مطالعه تاریخی، منابع دست اول در اواخر دوره تیموری و عصر صفوی بررسی شده و سپس متن دو رساله با هم تطبیق داده شده است. متن این دو رساله بر اساس بهترین تصحیحات انتقادی صورت‌گرفته در سی سال گذشته، انتخاب و با یکدیگر مقایسه شده است.

## متن مقاله

مقاله، با معرفی دو خوشنویس و رساله‌های مدادالخطوط و خط و سواد آغاز شده است. پس از آن، منابع تاریخی از زمان حیات این دو خوشنویس بررسی شده تا زمان جعل و انتشار رساله مدادالخطوط روشن شود و سپس، به مقایسه تطبیقی متن دو رساله پرداخته شده است.

• میرعلی هروی: وی در نیمه دوم سده نهم هجری در هرات زاده شد و تا سال ۹۱۱ که زمان مرگ سلطان حسین میرزا است، در آنجا می‌زیست. درباره استاد میرعلی در خط نستعلیق، بین تذکره‌نویسان اختلاف است و آنچه مسلم است اینکه میرعلی زمان جوانی در هرات، شاگردی زین‌الدین محمود، شاگرد بی‌واسطه سلطان‌علی مشهدی را کرده است و اینکه بعضی گویند که وی نزد سلطان‌علی مشهدی هم مشق خط کرده و از او تعلیم گرفته است، معلوم نیست (بیانی، ۱۳۶۳: ۵۰).

شاه اسماعیل در سال ۹۱۹ هرات را فتح کرد و میرعلی تحت حمایت کریم‌الدین حبیب‌الله ساوجی درآمد و پس از قتل حامی هنری خود نیز در هرات ماند. میرعلی تا سال ۹۳۵ که سام‌میرزای صفوی از طرف شاه‌تهماسب به فرمانروایی خراسان منصوب شده بود، در هرات بود (همان: ۴۹۴).

در آن سال، عبیدخان ازبک که مقر حکومت او در بخارا بود، به هرات حمله کرد و شهر را تصرف کرد. پس از آنکه عبیدخان ناچار به ترک هرات شد، جمعی از بزرگان و هنرمندان هرات از جمله میرعلی را با خود به بخارا برد و او را به معلمی فرزند خود عبدالعزیزخان منصوب داشت و میرعلی را کاتب سرکاری خود ساخت.

میرعلی به اجبار از آن سال تا زمان درگذشت خود در ۹۵۱ هجری در بخارا ماند و در سروده‌هایی، از این اقامت ناگزیر شکوه کرده است (قمی، ۱۳۶۶: ۸۲). این سروده به نقل از یکی از صفحات مرقع گلشن، این‌گونه است:

لکانه  
عمری از مشق دوتا بود قدم همچون چنگ  
تا که خط من بیچاره بدین قانون شد

طالب من همه شاهان جهانند و مرا  
چون گدایان<sup>۴</sup> جگر از بهر معیشت خون شد  
سوخت از غصه درونم، چه کنم چون سازم؟  
که مرا نیست ازین شهر، ره بیرون شد  
گشتم از حُسن خط امروز مقید اینجا  
وه که خط، سلسله پای من مجنون شد

الفقیر الحقیقیر المذنب میرعلی الکاتب فرالله ذنوبه و ستر  
عیوبه فی سنه ۹۴۴ ببلده بخارا (قلیچ‌خانی، ۱۳۹۲: ۳۱۰).  
• مجنون رفیقی هروی: سلطان احمد رفیقی متخلص به مجنون، از خوشنویسان و شاعران کمتر شناخته‌شده نیمه نخست سده دهم هجری در هرات می‌زیست (مایل هروی، ۱۳۷۲: پنجاه و هشت پیش‌گفتار). پدر او، کمال‌الدین محمود رفیقی از خوشنویسان اواخر سده نهم هجری در هرات است

کمز قلم چهره‌گشایی‌ها کرد  
تا شدم مخترع صورت‌کش  
خطکم صورتکی پیدا کرد  
(سام‌میرزا صفوی، بی‌تا: ۱۴۲)  
نخستین رساله وی، "رسم‌الخط" نام دارد. این رساله منظوم با این بیت آغاز می‌شود:  
بیا ای خامه انشای رقم کن  
به‌نام کاتب لوح و قلم کن  
و به اشاره صریح مجنون، در سال ۹۰۹ هجری سروده شده است:  
چو از رسم خطش تاریخ دادم  
از آنش نام رسم‌الخط نهادم  
و در پایان، به تخلص خود اشاره می‌کند:  
بیا مجنون، حدیث از حد فزون شد  
سخن زاندازه قانون برون شد  
بیا رمز آن که بی روی و ریایی  
کند مجنون مسکین را داعی  
دومین رساله مجنون، "خط و سواد" نام دارد<sup>۵</sup> که بعد از رساله "رسم‌الخط" و در نتیجه پس از ۹۰۹ هجری، به نثر تألیف شده و موضوع بحث مقاله حاضر است.  
سومین رساله مجنون، "آداب‌الخط" نام دارد<sup>۶</sup> (تصویر ۱) و همان است که سام‌میرزا صفوی در تحفه سامی به ابیاتی از آن اشاره کرده (تصویر ۲) و بیان داشته که «رساله نظمیه به اسم من در بحر لیلی و مجنون<sup>۷</sup> در سلک نظم آورده و در تعریف قواعد خط و چگونگی قلم و سیاهی و رنگ کردن کاغذ و مایتعلق بها جهت رنگ کردن کاغذ از آن مثنوی به‌خاطر بود این بیت، نوشته شد:  
رنگی که صفای خط در آن است  
از آب حنا و زعفران است» (همان)  
رساله این چنین آغاز می‌شود:  
ای کاتب هر صحیفه راز  
لوح و قلم تو نامه‌پرداز  
و بر اساس تاریخ فوت شاه اسماعیل، باید پس از ۹۳۰ سروده شده باشد:

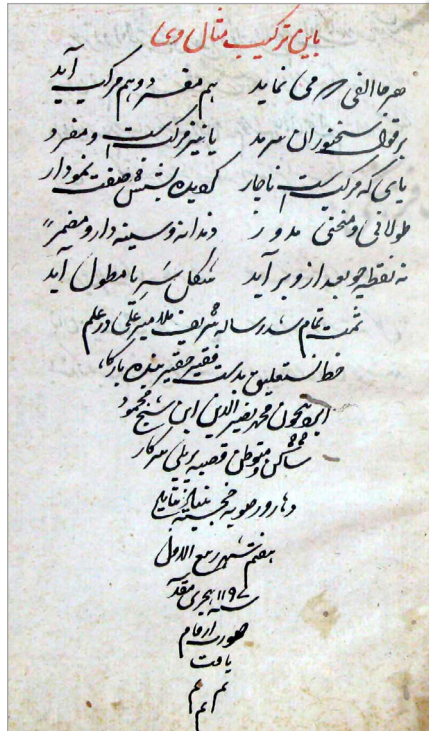


تصویر ۱. آغاز رساله آداب الخط از مجنون رفیقی، محفوظ در کتابخانه دانشگاه لوس آنجلس (ش ۳۷۳) (نگارنده)

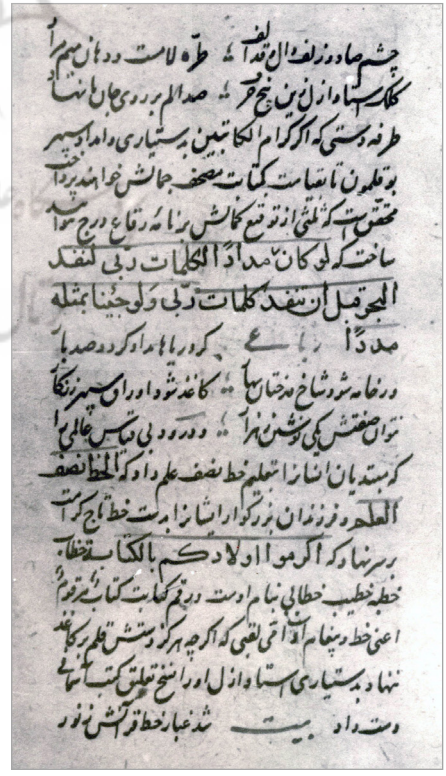
روزی که به حسرت از جهان رفت  
تاریخ وی آخرالزمان رفت  
قاضی احمد قمی پس از اشاره به این منظومه که به سام میرزا تقدیم شده، به رساله‌ای دیگر از او پرداخته است؛ «رساله‌ای در باب تعلیم و آداب خط به تفصیل نوشته و تعلیمات مفردات را یک‌یک از حروف تهجی نوشته» (قمی، ۱۳۶۶: ۸۵).  
مجنون در "خط و سواد" اشاره می‌کند (تصویر ۳) که چون در خوشنویسی به سطح استادان تراز اول نرسیده، به سراغ چاپ‌نویسی، اختراع خط توأمان و تألیف رسالات آموزشی رفته است (قلیچ‌خانی، ۱۳۷۳: ۲۵۶).  
تاریخ درگذشت مجنون را در هیچ منبعی ثبت نکرده‌اند، اما دست‌کم تا ۹۳۰ هجری که نسخه‌ای از گلستان سعدی<sup>۱</sup> را کتابت کرده، در قید حیات بوده است.

**بررسی تاریخی**

رسالات خوشنویسی، از منابع دست اول پژوهش‌های خوشنویسی و هنرهای وابسته به آن به‌شمار می‌روند. از این‌رو، بررسی صحت و سقم نسخه‌های خطی و همچنین انتساب و تصحیح آنها باید با دقت بسیار انجام شود. در اینجا، متون تاریخی، رسالات و مقدمه مرقعات نفیس از اواخر سده نهم هجری و مقارن با دوره جوانی میرعلی و مجنون تا سده



تصویر ۲. انجامه رساله آداب الخط از مجنون رفیقی با انتساب به میرعلی هروی، محفوظ در کتابخانه شرقی حیدرآباد (ش ۳۵۸۷)، هند (نگارنده)



تصویر ۳. صفحه دوم از رساله خط و سواد مجنون رفیقی، محفوظ در کتابخانه دانشگاه تهران (ش ۳۵۲۲) (نگارنده)

آثار او سخن گفته شده، اما نامی از رساله آموزشی در میان نیست (عالی افندی، ۱۳۶۹: ۷۴).

۸. در فوائدالخطوط از محمد بخاری (۹۹۵ هجری) هم هیچ یادی از میرعلی هروی و رساله او نشده است. اگرچه با وجود استفاده بسیار از رساله "آداب خط" سلطان علی مشهدی و همچنین "آداب الخط" مجنون رفیقی، نامی هم از نویسندگان آن رسالات نیاورده است (مایل هروی، ۱۳۷۲: ۳۵۷).

۹. گلستان هنر (۱۰۰۵ ق.) اشعار بسیاری از میرعلی نقل کرده، اما اشاره‌ای به رساله خط وی نکرده؛ در حالی که از مجنون و دو رساله او نام برده است (قمی، ۱۳۶۶: ۸۵).  
۱۰. در مجمع‌الخواص از مجنون یاد نشده، ولی میرعلی را به حُسن خط و اخلاق، ستوده و بدون اشاره به تخلص وی، همان شعر معروف او را نقل کرده است:

عمری از مشق دوتا بود قدم همچون چنگ

تا که خط من بیچاره بدین قانون شد ...

(صادقی کتابدار، ۱۳۲۷: ۹۰)

۱۱. بختاورخان در احوال خطاطان (۱۰۶۸ تا ۱۰۷۸ هجری)، میرعلی را به تفصیل معرفی کرده، اما اشاره‌ای به داشتن رساله آموزشی نکرده است (علوی، ۱۳۹۲: ۱۵۹).

۱۲. در رساله خوشنویسی که در ۱۱۳۹ هجری تألیف شده است، محمد امین، شرح حال میرعلی و مجنون را در هم آمیخته و نوشته: «میرعلی کاتب از سادات هرات است. نام پدر وی محمود متخلص به رفیقی ...» (صدیقی، ۱۴۰۱: ۲۲۱) و رساله رسم‌الخط مجنون که در ۹۰۹ هجری به سلطان مظفر فرزند سلطان حسین بایقرا تقدیم شده را از آن میرعلی دانسته است؛ اما جالب اینکه به نسخه‌ای از رساله منشور "خط و سواد" مجنون دسترسی داشته و استفاده کرده و نامی از رساله منشور "مدادالخطوط" نیاورده است (همان: ۲۱۵).

۱۳. در تذکره خوشنویسان که پیش از ۱۲۳۹ هجری تألیف شده، غلام‌محمد هفت‌قلمی دهلوی دقیقاً اشتباه محمد امین را تکرار کرده است (هفت‌قلمی دهلوی، ۱۹۱۰: ۵۲-۴۹).

۱۴. در حیات خوشنویسان که در ۱۲۷۷ هجری تألیف شده، از میرعلی به تفصیل در بیست و دو بیت صحبت شده، اما ذکری از رساله وی نشده است (علوی، ۱۳۹۲: ۵۸). با این حال، درباره مجنون اگرچه تنها سه بیت آورده، اما اشاره ظریفی به رساله او نیز کرده است (همان: ۱۰۲). همان‌گونه که می‌بینیم، از زمان حیات میرعلی (حدود ۹۵۱-۸۷۰ ق.) تا سال ۱۲۹۱ هجری، از رساله داشتن میرعلی

سیزدهم هجری مورد بررسی قرار گرفته‌اند تا روشن شود که از چه زمانی انتساب رساله "مدادالخطوط" به میرعلی هروی آغاز شده است.

۱. مجالس‌النفائس (۸۹۶ ق.) میرعلی را چنین معرفی کرده: «ملا میرعلی از کاتبان خوشنویس متعین شهر هرات است. جوانی مقبول است و طبعش در نظم ترکی و فارسی خوب است اما پیش‌تر از آنکه شعر خود را بخواند، تعریف می‌کند» (نوابی، ۱۳۶۳: ۱۴۸).

نوابی این کتاب را در ۸۹۶ هجری تألیف کرده و اگر فرض کنیم که میرعلی در زمان مرگ خود در ۹۵۱ هجری ۸۰ تا ۸۵ ساله بوده، پس در زمان تألیف مجالس‌النفائس، ۲۵ تا ۳۰ سال داشته؛ اما خوشنویس و شاعری شناخته‌شده بوده است.

در مجالس‌النفائس، مجنون نیز این‌گونه معرفی شده: «مولانا مجنون مشهدی است و خوش طبع بود و از حُسن حظ، حُسن خط داشت و خط باژگونه را نیکو می‌نوشت چنان‌که همه کس از آن تعجب می‌نمود و این مطلع از اوست ...» (همان: ۲۴۹).

از آنجا که نوابی به جوان بودن مجنون اشاره نمی‌کند، می‌توان تصور کرد که او حدود ۴۰ سال داشته و به این ترتیب، از میرعلی هروی بزرگ‌تر بوده است.

۲. در حبیب‌السیر که به سال ۹۳۰ هجری تألیف شده و نویسنده آن در هرات می‌زیسته و با میرعلی نیز دوستی داشته است، ذکری از رساله آموزش خوشنویسی نشده است (خواندمیر، ۱۳۷۹: ۲۹۳).

۳. دوست محمد گواشانی در دیباچه مرقع بهرام‌میرزا صفوی در ۹۵۱ هجری، از میرعلی با نام "کمال‌الدین میرجان و علی‌الحسینی" یاد کرده، اما هیچ اشاره‌ای به رساله او نکرده است (مایل هروی، ۱۳۷۲: ۲۶۶).

۴. در رساله قوانین‌الخطوط از محمود بن محمد در نیمه دوم سده دهم هجری، از میرعلی با تکریم یاد شده، اما اشاره‌ای به رساله خوشنویسی او نشده است (همان: ۳۱۴).

۵. در دیباچه قطب‌الدین محمد قصه‌خوان بر مرقع شاه‌تهماسب در ۹۶۹ هجری از میرعلی یاد شده، اما هیچ اشاره‌ای به رساله او نشده است (همان: ۲۸۱).

۶. در آداب‌المشق (اواخر سده دهم هجری) باباشاه، سروده‌هایی از میرعلی آمده، اما اشاره‌ای به رساله وی نشده و همچنین از مجنون رفیقی نیز یاد نشده است (باباشاه اصفهانی، ۱۳۹۱: ۲۴).

۷. در مناقب هنروران (۹۹۵ ق.) به تفصیل از میرعلی هروی و سبک و شیوه او، قیمت آثار وی در عثمانی و جعل

ذکری نشده و نامی از رساله مدادالخطوط در میان نیست و برای نخستین بار در "تذکره الخطاطین" میرزا سنگلاخ (۱۲۹۱ ق.) است که رساله‌ای به میرعلی هروی منسوب و متن کامل آن منتشر شده است (تصاویر ۴ و ۵).

دکتر بیانی در احوال میرعلی، به بخشی از مقدمه "مدادالخطوط" استناد کرده و بدون نقد و بررسی و اشاره به محتویات آن، از آن گذشته است (بیانی، ۱۳۶۳: ۵۰۴). روشن است که مأخذ دکتر بیانی هم تذکره الخطاطین میرزا سنگلاخ است و حدود یک دهه پس از او، حبیب‌الله فضائی هم تقریباً همان مطالب بیانی را تکرار کرده است (فضائی، ۱۳۵۰: ۴۷۵).

برای اطمینان بیشتر با مراجعه به تارنمای آقابرگ (بانک اطلاعات نسخه‌های خطی) (URL: 1) و جست‌وجوی کلیدواژه "مدادالخطوط"، نسخه‌ای از رساله که مؤلف آن میرعلی هروی باشد و به پیش از سده سیزدهم هجری مربوط شود، یافت نشد؛ اما با جست‌وجوی "خط و سواد"، به بیش از ده دست‌نویس از سده یازدهم تا سیزدهم در کتابخانه‌های گوناگون می‌رسیم.

### بررسی ساختار و محتوای رساله‌ها

برای مقایسه مشابهت رساله "مدادالخطوط" با "خط و سواد"، متن کامل هر دو رساله بر اساس متن منتشرشده در کتاب‌های "کتاب‌آرایی در تمدن اسلامی" و "رسالاتی در خوشنویسی و هنرهای وابسته" بررسی شده است. آغاز رساله "خط و سواد" چنین است:

«حمد و سپاس استادی را که کاتب لوح و قلم بی‌چون و حافظ نون و القلم و مایسپرون است. خوشنویسی که سرخط نوخطان قلمرو کلک صنعش اول ما خلق الله القلم است و معلمی که سبق سوادخوانان مکتب‌خانه علمش علم بالقلم علم الانسان مالم یعلم. نظم:

استاد ازل کاین خط مشکین رقم اوست

یارب چه رقم‌های عجب در قلم اوست ...»  
(مایل هروی، ۱۳۷۲: ۱۸۵)

آغاز رساله "مدادالخطوط" چنین است:  
«حمد و سپاس مر استادی را که کاتب لوح و قلم بی‌چون و حافظ نون و القلم و مایسپرون است. خوشنویسی که سرخط نوخطان قلم در کلک صنعش اول ما خلق الله القلم



تصویر ۵. صفحه سوم از رساله مدادالخطوط، تذکره الخطاطین میرزا سنگلاخ (نگارنده)



تصویر ۴. صفحه آغاز رساله مدادالخطوط، تذکره الخطاطین میرزا سنگلاخ (نگارنده)

است، خط خوب و نیکو آید چنانکه فرموده‌اند الکلام الحسن مصادیق القلوب و الخط الحسن نزهة العیون، چه اگر کسی خط نیکو بیند اگرچه عامی است، مایل می‌شود و عرب گفته الخط اصل فی الروح و ان ظهرت بحواس الجسد و قال افلاطون الحکیم الخط هندسه روحانیه ظهرت باله جسمانیه و ازین جهت افلاطون خط را به‌دست مقید نکرده که اعضا را شامل است و خواجه عبدالله صیرفی رحمه الله علیه گوید که شخصی را دیدم که دست نداشت و قلم به انگشت پا می‌گرفت و کتابت می‌کرد و به‌دهان نیز می‌توان نوشت و قبل ازین در قواعد خطوط، سلطان الخطاطین سلطانعلی مشهدی طیب الله مشهور نسخه صراط الخط را نظم کرده بود، مایحتاج آن را به‌نوعی که از استادان شنیده بود به نظم آورده، اگر چه میل طبع موزون به‌نظم بیشتر است اما مبتدی را دریافتن سخن نثر نفع و فایده از آن زیادتر است. بنابراین حقیر فقیر میرعلی هروی در نثر نیز ورقی چند ساخته و سطری اندر در قواعد و قوانین خطوط قواعد مضبوط که هیچ‌یک از استادان پیرامون آن نگشته‌اند، پرداخته تا طالبان صورت خطی را خطی باشد. چون مبتدی را از مداد خطش هم خط و هم مداد حاصل می‌شد نام او را مدادالخطوط مناسب نمود الاعانه من الله الودود و ترتیب آن بر نهج پنج باب اتفاق افتاد:

باب اول در بیان خطوط و سطح و دور و وجه تسمیه هر یک از آن. باب دوم در ذکر استادان و مخترعان و بیان مرتبه ایشان. باب سیم در بیان ادوات کتابت. باب چهارم در بیان قواعد مفردات و اصول ترکیب خطوط. باب پنجم در بیان کتابت و انواع حروف» (همان: ۵).

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود در رساله "خط و سواد"، مجنون رفیقی پس از یادآوری رساله‌ای با نام "رسم الخط" که پیش‌تر سروده بوده، به نام خود و اختراع خط توأمان و نام رساله منثور خویش می‌پردازد، اما در رساله "مدادالخطوط" اشاره به اختراع خط توأمان حذف شده و چون میرعلی پیش از این رساله‌ای به نظم نداشت، تحریف‌کننده رساله ناچار شده تا از رساله منظوم سلطان‌علی مشهدی که در ۹۲۰ هجری سروده شده بود، یاد کند. تحریف‌کننده برای ایجاد تفاوت بیشتر میان دو رساله، عنوان فصل ششم رساله "خط و سواد" را در فهرست حذف کرده، اما با مقایسه در نام‌گذاری فصول و مقایسه سطر به سطر دو رساله، مشابهت بیش از اندازه دو متن آشکار می‌شود.

در تحریف رساله "مدادالخطوط" افزون بر رونویسی عین به عین از رساله "خط و سواد"، برای کاستن از مشابهت، گاه عباراتی از دیگر رساله را هم به "مدادالخطوط" افزوده‌اند؛ از جمله در باب اول، این عبارت که در "خط و سواد" نیست را

است و معلمی که سبق سوادخوانان مکتب‌خانه علمش علم الانسان مالم یتعلم. فرد:

استاد ازل کاین خط مشکین رقم اوست

یارب چه رقم‌های عجب در قلم اوست...» (همان: ۸۷)  
سپس نویسندگان رساله‌ها، خود را معرفی می‌کنند و این بخش، تنها تفاوت روشن و قاطع دو رساله است. مجنون رفیقی، خود و نام رساله خود را چنین بیان داشته است:

«... چون کاتب مکتوب حقیقی مجنون بن محمود الرفیقی اصلح الله شأنه ابدأ بمقتضی الولد الحر یقلد بابائه الغر، از اوان طفولیت تا زمان کهنولیت در تحصیل علم خط و تکمیل اعداد شتافت و سعادت خدمت استادان ماهر و خطاطان نادر دریافت، از هر خرمن خوشه و از هر انجمنی توشه برمی‌داشت اما چون از نقصان قابلیت در آن صنعت لطیف کامل نشد و از آن علم شریف مقصودش حاصل نگشت و از آن ممرّ دری نگشود و در پناه (؟) اختراع مزید خطوط ابداع نمود که از آن جمله است توأمان: قد اخترعته اختراعاً خطاً غریباً مرکباً من المعکوس و غیرالمعکوس مشکلاً بشکل الانسان و غیره و سمّیته بالتوأمان تقسمه [فقسّمته؟] صورتین بمشابهتین المقابلتین (متشابهتین مقابلتین) برین صورت، بیت: توأمان مخترع مجنون است

کز قلم چهره‌گشایی‌ها کرد

تا شدم مخترع صورت‌کش

خطکم صورتکی پیدا کرد

و قبل از این در قواعد خطوط، نسخه رسم الخط نظم کرده بود و مایحتاج آن را به‌نوعی که از استادان شنیده بود به نظم درآورده، اگرچه میل طبع موزون، به نظم بیشتر است اما مبتدی را دریافتن سخن نثر از نظم بیشتر. بنابراین در نثر نیز به همان طریق ورقی چند ساخته شد و سطری چند در قواعد نسخ‌تعلیق که هیچ‌یک از استادان پیرامون آن نگشته‌اند، پرداخته آمد تا طالبان صورت خطی را خطی باشد و چون مبتدیان را از سوادالخطش هم خط و هم سواد حاصل بود، نام این نسخه خط و سواد مناسب نمود، والاعانه من الله الودود. و ترتیب آن بر شش باب اتفاق افتاد: باب اول در بیان خطوط و سطح و دور و وجه تسمیه هر یک. باب دوم در ذکر استادان و مخترعان و بیان مرتبه ایشان. باب سوم در بیان آداب کتابت. باب چهارم در بیان قواعد خط. باب پنجم در شکل هر یک از حروف و وجه تسمیه هر شکل به اسم مخصوص. باب ششم در حسن خط و اتصال حروف و مدات» (قلیچ‌خانی، ۱۳۷۳: ۲۵۵).

معرفی میرعلی و نام رساله او هم به این شکل بیان شده است: «... و بایست دانست که هر چند درون از کدورت خالی

از رساله "اصول و قواعد خطوط سته" از فتح‌الله سبزواری برداشته است: «... و مدت مدید بر آن گذشت تا در زمان بنی امیه خط کوفی استخراج کردند؛ و مستخرج آن جماعتی از دانایان کوفه بودند» (مایل هروی، ۱۳۷۲: ۱۰۷) و این عبارت در "مدادالخطوط" به این صورت آمده است: «... و بعد از آن در زمان بنی امیه خط کوفی را استخراج کردند و مستخرج آن از جماعتی دانایان و دانشمندان کوفه بودند» (همان: ۹۱).

نکته دیگری که سبب کوتاه‌تر شدن متن مدادالخطوط شده، از این قرار است که از پنج بابی که در فهرست وعده کرده بود، فقط سه باب وجود دارد و رساله در پایان باب سوم که "در حل کردن طلا و نقره" است، با این عبارت به پایان می‌رسد: «... اگر زر و یا نقره در آب بسیار بماند، تیره و ضایع شود. والله اعلم بالصواب» (همان: ۱۰۱)؛ در حالی که رساله "خط و سواد" متن کاملی دارد و همان‌گونه که در آغاز بیان داشته، در شش باب تألیف شده و با این عبارت پایان می‌یابد: «... اما دال و ذال نیز همین حال دارد و حرف دیگر به ایشان متصل تواند شد. والله اعلم بالصواب» (همان).  
نکته دیگری که مشکوک بودن رساله "مدادالخطوط" را تأیید می‌کند، این است که میرعلی در رقم‌ها و انجامه‌های

آثاری که از او باقی هستند، هیچ‌گاه خود را میرعلی هروی معرفی نکرده و این نام را دیگران برای او استفاده کرده‌اند.<sup>۹</sup> رقم‌های معمول او از این قرار بوده‌اند:

علی، فقیرعلی، میرعلی، علی کاتب، علی سلطانی، علی حسینی، میرعلی کاتب، میرعلی سلطانی، علی هروی، علی حسینی هروی، فقیر میرعلی، فقیرعلی کاتب، علی کاتب حسینی، علی کاتب السلطانی، میرعلی کاتب السلطانی (مایل هروی، ۱۳۷۲: ۵۱۱).

شخص تحریف‌کننده، رساله ارزشمند "آداب خط" سلطان‌علی مشهدی که به "صراط‌السطور" مشهور شده است را به "صراط‌الخط" تغییر داده که این نام هم در متون هم‌دوره با سلطان‌علی و دست‌نویس‌های کهن رساله دیده نشده است.

نمونه‌های دیگری نیز از این‌گونه دستبرد و تحریف در رساله‌های خوشنویسی را می‌توان سراغ گرفت؛ یکی از آنها نسخه‌ای از رساله "آداب‌الخط" از مجنون رفیقی است که در کتابخانه شرقی حیدرآباد دکن هندوستان (ش ۳۵۸۷) نگهداری می‌شود. نسخه به دست کاتبی هندی در سال ۱۱۹۷ هجری استنساخ شده و به جای مجنون رفیقی، به میرعلی منسوب شده است.

## نتیجه‌گیری

شهرت بیش از اندازه هنرمندان، یکی از دلایل جعل آثار ایشان است. در کنار جعل و دستبرد شاگردان و پیروان در آثار خوشنویسان نامدار، یکی از راه‌های سوءاستفاده از نام مشاهیر، انتساب رساله‌های آموزشی کهن به آنها است. در این مقاله، مجنون رفیقی هروی و میرعلی هروی که از خوشنویسان اواخر سده نهم و نیمه نخست سده دهم هجری هستند، معرفی شده‌اند. چنانکه از متون تاریخی برمی‌آید، مجنون یک تا دو دهه از میرعلی بزرگ‌تر بوده است. مجنون رفیقی افزون بر شهرت در چپ‌نویسی و اختراع خط توأمان، سه رساله آموزشی تألیف کرده که یکی به نثر است و دو رساله منظوم هستند.

با توجه به منابع اواخر دوره تیموری همچون مجالس‌النفائس و منابع تاریخی و تذکره‌های دوره صفوی، هر دو خوشنویس در شاعری دست داشته‌اند و تخلص مجنون رفیقی، "مجنون" بوده است. به‌خاطر هم‌دوره بودن این دو خوشنویس و اینکه میرعلی نیز در پایان شعر معروف خود، خود را "مجنون" نامیده است:

گشتم از حُسن خط امروز مقید اینجا      وه که خط سلسله پای من مجنون شد

و سهو و خطایی که امثال غلام‌محمد هفت‌قلمی دهلوی در "تذکره خوشنویسان" مرتکب شده‌اند، به نسخه‌های تحریف‌شده انگشت‌شماری از رساله "خط و سواد" مجنون برمی‌خوریم که در آنها، تحریف‌کننده پس از دخل و تصرف در نام رساله، نام مؤلف را که مجنون هروی است هم به میرعلی هروی تغییر داده است. سپس، تغییراتی در فصول پایانی رساله داده و کوشیده تا از شباهت آن دو بکاهد.

شخص تحریف‌کننده را به‌درستی نمی‌شناسیم، اما به نظر می‌رسد که این جعل در سده سیزدهم هجری صورت گرفته و وارد تذکره‌الخطاطین میرزا سنگلاخ شده است و با تحریفات بی‌شماری که از او می‌شناسیم<sup>۱۰</sup>، این رساله



را از میرعلی هروی دانسته و با نام ساختگی "مدادالخطوط" معرفی کرده است. همچنین در مقدمه رساله "خط و سواد" که مجنون به رساله پیشین خود با نام "رسم الخط" اشاره کرده است، این اشاره به سلطان علی مشهدی تغییر یافته و نام رساله مشهور سلطان علی هم به "صراط الخط" تغییر یافته است.

متن دو رساله کاملاً به هم شبیه هستند و از شش بابی که در "خط و سواد" وجود دارد، تنها سه باب آن در "مدادالخطوط" آمده و در نتیجه متن منتشرشده از مدادالخطوط، کوتاه‌تر از رساله خط و سواد است.

این تحریفات سبب شده تا پژوهشگران معاصر همچون؛ دکتر مهدی بیانی، حبیب‌الله فضائلی و برخی دیگر، میرعلی را دارای رساله‌ای با نام "مدادالخطوط" بدانند. پس از آنها نجیب مایل هروی نیز متوجه تشابه رساله "مدادالخطوط" و رساله "خط و سواد" مجنون رفیقی نشده و متن کامل آن را با توضیحات مبسوط در کتاب "کتاب‌آرایی در تمدن ایرانی" آورده است. در نتیجه، این خطا وارد پژوهش‌های گوناگون از جمله رسالات و پایان‌نامه‌های دانشگاهی شده است.

در این مقاله پس از معرفی دو خوشنویس یادشده، با توجه به منابع اواخر دوره تیموری و منابع تاریخی و تذکره‌های دوره صفوی، اثبات شده که در هیچ سند تاریخی تا سده سیزدهم اشاره‌ای به رساله داشتن میرعلی نشده و این خطا پس از دوره صفوی سر زده است. همچنین با مقایسه و تطبیق متن دو رساله به این نتیجه می‌رسیم که هر دو رساله دارای یک متن واحد هستند و در اصل همان رساله "خط و سواد" است که با تحریف و جعل به نام میرعلی هروی تغییر یافته است.

امید است که با پیدا شدن نسخه‌های ناشناخته بیشتر از این رسالات، بتوان دقیق‌تر از زمان، دلایل و چگونگی این تحریف و دستبرد آگاه شد.

#### پی‌نوشت

۱. مایل هروی (۱۳۷۲)
۲. قلیچ‌خانی (۱۳۷۳)
۳. صراط‌الخط (سلطان علی مشهدی) (۱۳۹۹)
۴. به‌جز این سند، میرعلی و دیگر خوشنویسان در خوانش‌های خود از این شعر، به جای "چون گدایان"، عبارت "در بخارا" را نوشته‌اند (بیانی، ۱۳۶۳: ۴۹۵). اما میرعلی احتمالاً در بخارا به راحتی جسارت آوردن واژه "بخارا" را نداشته و دیگر خوشنویسان در مشق‌های نقلی خود، این خوانش را بیشتر پسندیده‌اند.
۵. نجیب مایل هروی در تصحیح خود از رساله "خط و سواد" مجنون رفیقی، بنابر نسخه شماره ۳۵۲۲ کتابخانه دانشگاه تهران، این رساله را با نام "سوادالخط" معرفی کرده است (مایل هروی، ۱۳۷۲: شصت و یک پیش گفتار).
۶. دکتر بیانی این رساله را "قواعد خطوط" و نجیب مایل هروی بر اساس نسخه‌ای از رساله با تاریخ ۱۰۲۷ هجری، این رساله را "آداب‌المشق" نامیده است.
۷. منظور وزن عروضی "مفعول مفاعیلن فعولن" است.
۸. محفوظ در کتابخانه سلیمانیه استانبول، شماره ۴۲۲۵.
۹. به‌جز نسخه‌ای از مناجات حضرت امیر در موزه دولتی کابل که دکتر بیانی بدون نقل کامل انجمله آن معرفی کرده است و تا اصل نسخه دیده نشود، نمی‌توان درباره اصالت آن اظهار نظر قطعی کرد (بیانی، ۱۳۶۳: ۵۱۳).
۱۰. (قلیچ‌خانی، ۱۳۹۵: ۳۹)

#### منابع و مأخذ

- باباشاه اصفهانی (۱۹۵۰). آداب‌المشق. تحقیق از محمدشفیع، پاکستان: مجله اورینتال کالج میگزین، ۲۶ (۳)، ۱۴.
- باباشاه اصفهانی (۱۳۹۱). آداب‌المشق. پژوهش حمیدرضا قلیچ‌خانی، چاپ اول، تهران: پیکره.
- بیانی، مهدی (۱۳۶۳). احوال و آثار خوشنویسان. چاپ دوم، تهران: علمی.
- خواندمیر، غیاث‌الدین (۱۳۷۹). رجال کتاب حبیب‌السییر. گردآوری عبدالحسین نوایی، چاپ اول، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

- سام میرزا صفوی (بی تا). *تحفه سامی*. تصحیح رکن الدین همایونفرخ، چاپ اول، تهران: چاپ و انتشارات کتب ایران.
- سیزواری، فتح‌الله (۱۳۷۳). *اصول و قواعد خطوط سته*. در کتاب *رسالاتی در خوشنویسی و هنرهای وابسته*. تهران: روزنه. ۲۵۰-۲۲۵.
- سنگلاخ، محمدعلی (۱۲۹۱ ق.). *تذکره الخطاطین (مُسَمّی به امتحان الفضلاء)*. به کوشش غلام ابی عبدالله الحسین منشی، جلد اول، چاپ اول، تبریز: بی نا.
- صادقی کتابدار (۱۳۲۷). *مجمع الخواص*. ترجمه عبدالرسول خیامپور، چاپ اول، تبریز: چاپخانه اختر.
- صدیقی، محمدمنعم (۱۴۰۱). *تحفه درود*. به انضمام رساله خوشنویسی از محمدامین. چاپ اول، تهران: بنیاد موقوفات دکتر افشار و سخن.
- عالی افندی، مصطفی (۱۳۶۹). *مناقب هنروران*. ترجمه توفیق هـ سبحانی، چاپ اول، تهران: سروش.
- علوی، محمدحسین (۱۳۹۲). *حیات خوشنویسان به پیوست احوال خطاطان از بختاور خان*. تصحیح حمیدرضا قلیچ‌خانی، چاپ اول، تهران: کتابخانه مجلس شورا.
- فضاغلی، حبیب‌الله (۱۳۵۰). *اطلس خط*. چاپ اول، اصفهان: انجمن آثار ملی اصفهان.
- قلیچ‌خانی، حمیدرضا (۱۳۷۳). *رسالاتی در خوشنویسی و هنرهای وابسته*. چاپ اول، تهران: روزنه.
- قلیچ‌خانی، حمیدرضا (۱۳۸۱). *احوال و آثار مجنون رفیقی هروی*. *فصلنامه همت*، سال دوم (۲-۱)، ۱۱۷-۱۱۵.
- قلیچ‌خانی، حمیدرضا (۱۳۹۲). *درآمدی بر خوشنویسی ایرانی*. چاپ اول، تهران: فرهنگ معاصر.
- قلیچ‌خانی، حمیدرضا (۱۳۹۵). *خلیل‌الله پادشاه قلم*. چاپ اول، تهران: پیکره.
- قلیچ‌خانی، حمیدرضا (۱۳۹۷). *بررسی اصالت رساله نداشته جعفر بایسنغری*. *مجله تندیس*، (۳۷۹-۳۷۸)، ۴۳-۴۰.
- قمی، میر احمد (۱۳۶۶). *گلستان هنر*. به تصحیح احمد سهیلی خوانساری، چاپ سوم، تهران: کتابخانه منوچهری.
- مایل هروی، نجیب (۱۳۷۲). *کتاب آرایبی در تمدن اسلامی*. چاپ اول، مشهد: آستان قدس رضوی.
- مشهدی، سلطان‌علی (۱۳۹۹). *صراط‌الخط*. به کوشش علی صفری آق‌قلعه و حکیمه شریعت‌نیا، چاپ اول، تهران: میراث مکتوب.
- نوایی، میرنظام‌الدین علیشیر (۱۳۶۳). *مجالس النفاّس*. به اهتمام علی اصغر حکمت، چاپ اول، تهران: کتابخانه منوچهری.
- نیازی، یاسین خان (۱۹۳۴). *خط و سواد*. پاکستان: *مجله اورینتل کالج میگزین*، ۱۱ (۲).
- هفت‌قلمی دهلوی، غلام‌محمد (۱۹۱۰). *تذکره خوشنویسان*. تصحیح محمد هدایت‌حسین، چاپ اول، بمبئی: ایشیاتک سوسایتی بنگال.



Received: 2022/07/07

Accepted: 2023/03/11

## Examining the authenticity of Medad al-Khotout treatise attributed to Mir Ali Heravi in comparison with Khat va Savad treatise by Majnoun Rafiqi Heravi

Hamidreza Ghelichkhani\*

5

### Abstract

Mir Ali Heravi (died in 1545) is one of the greatest masters in Nasta'liq script who was famous and popular while he was alive among Uzbek, Indian and Ottoman governors. Majnoun Rafiqi is also one of the poets and calligraphers who is contemporary with Mir Ali and has written three treatises about teaching calligraphy. He was famous in his own period of time but since he did not have well-known works, his popularity has decreased over time. Attributing ancient treatises about teaching calligraphy to celebrities has a long duration. For instance, attributing *Adab al-Mashq* treatise by Baba Shah Isfahani to Mir Emad Qazvini. *Khat va Savad* treatise by Majnoun Rafiqi has been attributed to Mir Ali because of his universal popularity after Safavid. This attribution caused contemporary researchers think that there is a treatise named *Medad al-Khotout* by Mir Ali Heravi and this mistake has been repeated in many researches by Islamic art scholars. According to the comparative study of these two treatises and also documentary sources related to the end of Timurid and beginning of Safavid era, this article has talked about non-attribution of this treatise to Mir Ali Heravi.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

**Keywords** :Calligraphy treatises, Medad al-Khotout treatise, Mir Ali Heravi, Khat va Savad treatise, Majnoun Rafiqi Heravi, forgery and distortion

---

\*Assistant Professor, Member of the Authenticity and Nafais Calendar Committee of the National Library of Iran.  
[hr.ghelichkhani@gmail.com](mailto:hr.ghelichkhani@gmail.com)